

عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی

از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد
امام خمینی (ره)^۱

الهه حجازی*، کیوان صالحی**

طرح مسأله: پژوهش حاضر با هدف تحلیل دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در زمینه عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی انجام شده است. روش: نمونه پژوهشی شامل ۱۲۰ دانشجوی پسر و دختر تحت پوشش کمیته امداد است که با روش نمونه گیری طبقه‌ای تصادفی گزینش شده بودند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته که شامل ۴۸ گویه است گردآوری گردید. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که از کل واریانس تبیین شده، ۲۴/۰۵ درصد را عامل «خانواده و گروه همگنان»، ۲۲/۲۱ درصد را عامل «اعمال کنترل شدید»، ۲۲/۱۶ درصد را عامل «وضعیت اقتصادی» و ۲۱/۴۷ درصد را عامل «امور فرهنگی - آموزشی» تبیین می‌کند. **نتایج:** نتایج نشان می‌دهند که چهار عامل «خانواده و گروه همگنان»، «اعمال کنترل شدید»، «وضعیت اقتصادی»، و «امور فرهنگی - آموزشی» ۸۹/۸۹ درصد از واریانس متغیرهای تحلیل را تبیین می‌کنند که در بین این چهار عامل، عامل «خانواده و گروه همگنان» بالاترین میزان تبیین واریانس انحرافات اجتماعی را دارد.

کلید واژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، انحرافات اجتماعی، تحلیل عوامل، دانشجویان، کمیته امداد

تاریخ پذیرش: ۸۵/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۱/۲۵

۱. این مقاله از گزارش طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی دیدگاه‌های دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در زمینه عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی» استخراج شده است.
* دکتر روان‌شناسی تربیتی، عضو هیأت دانشگاه تهران. <encjazi@ut.ac.ir>
** کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، پژوهشگر مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی

مقدمه

تحولات و دگرگونی‌های پدید آمده در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و ستیزه‌های اخلاقی بین دو نسل و عدم جایگزینی الگوهای رفتاری نهادینه شده، زمینه را برای افزایش نسبت بزهکاری و انحرافات اجتماعی فراهم کرده است. گسترش انحرافات اجتماعی از جمله مشکلات عمده‌ای است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوامع کنونی است. در جامعه ما نیز با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، ساختار جمعیتی بسیار جوان و وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات به‌عنوان یکی از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی به‌شمار می‌آید که موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی^۱ و چالش امنیت اخلاقی و اجتماعی گردیده است.

۱) چارچوب نظری

شناخت آسیب‌های اجتماعی بدون شک، معلول شناخت هنجارها و پیوندهای علی آن از یک‌سو و پیوستگی اجتماعی و تجانس اجتماع از سوی دیگر است (گیدنز، ۱۳۷۳). شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین مطالعه و بررسی رفتارهای انسانی بر اساس صفات و ویژگی‌های جسمانی و بدنی توسط بقراط حکیم صورت پذیرفته است. بقراط بدن انسان را دارای چهار نوع خلط می‌دانست: خون، بلغم، صفرا و سودا. بنابراین، او چنین می‌انگاشته که میان وجود آدمی و جهان خارج رابطه‌هایی برقرار است و عناصر چهارگانه یعنی آب، آتش، باد و خاک در بدن خواص و آثاری دارند. حال اگر خون هر چهار عنصر مذکور را متعادل دارا باشد، فرد انسانی سالم و در غیر این صورت او از حالت بهنجار خارج می‌شود (سیاسی، ۱۳۵۲).

یونانیان قدیم علت ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را تقدیر یا سرنوشت می‌دانستند و معتقد بودند که سرنوشت یا تقدیری که رفتار و کردار افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند تحت نفوذ نیروهای مرموزی است که در اختیار بشر نمی‌باشند. در واقع مجرم فرد بدطیبتی

1. Conscience Collective

است که ارواح خبیث در او حلول کرده‌اند. به همین دلیل اجرای مجازات‌های شدید و حتی شکنجه‌های جسمانی را مجاز می‌دانستند و آن را عامل تزکیه نفس مجرم می‌پنداشتند. اما با تحولات فکری آن عصر، به خصوص با طرح اندیشه‌های سقراط، حکیم دانای یونان، از شدت این نگرش‌ها و مجازات‌ها کاسته شد. چنان‌چه سقراط می‌گوید: «ما نیایستی با تبهکاران با خشونت رفتار کنیم بلکه باید به آن‌ها بیاموزیم که به چه ترتیب از ارتکاب بزه خودداری نمایند، زیرا جنایت ثمره نادانی و جهل است و تعداد بی‌شماری از افراد که در نتیجه بدشانسی نتوانسته‌اند معرفتی کسب کنند مرتکب جرم می‌شوند» (دانش، ۱۳۶۹: ۸).

افلاطون فیلسوف دیگر یونانی در تشریح علل و عوامل ارتکاب جرم، عوامل اجتماعی و اقتصادی، به ویژه فقر و ثروت را منشا بروز جرایم اعلام کرده و معتقد است که عامل مذکور عواطف انسانی را دگرگون ساخته و افراد را به طرف بزهکاری می‌کشاند. ارسطو نیز معتقد بود که وضع جسمانی و روانی افراد در ارتکاب بزه موثرند (دانش ۱۳۶۹: ۱۱۵).

خانواده به عنوان یکی از عوامل اجتماعی موثر در رفتارهای انحرافی مدنظر پژوهشگران زیادی بوده است به گونه‌ای که کی‌نیا می‌گوید: تحقیق گلوک‌ها روی ۵۰۰ نوجوان عادی نشان می‌دهد که ظاهراً بین والدین و اجداد نوجوانان بزهکار نسبت به افراد عادی تعداد تبهکاران بیشتر بوده است (به نقل از کی‌نیا، ۱۳۷۳). شاو و مک‌کی (Show & Mackie) به این نتیجه رسیدند که ۴۲/۵ درصد نوجوانان بزهکار و ۳۶/۱ درصد نوآموزان مجرم از خانواده‌های متلاشی شده برخوردارند. همچنین تحقیقات مرکز ووکرسون ۴۵ درصد بزهکاران را به خانواده‌های از هم پاشیده نسبت داده است (کی‌نیا، ۱۳۷۳). سوشی وایت نیز در تحقیقات خود روابط ضعیف نوجوانان بزهکار با پدران‌شان را در مقایسه با افراد عادی ملاحظه کرده است (کوآراسوس، ترجمه رشید پور، ۱۳۴۵). کوآراسوس در تحقیقات خود به این نتیجه اشاره می‌کند که غالب مجرمان احساس می‌کنند که از محبت و توجه والدین بی‌بهره بوده‌اند (کوآراسوس، ترجمه رشید پور، ۱۳۴۵).

از سوی دیگر دورکیم (۱۳۴۲) جامعه‌شناسان بزرگ فرانسوی که در زمان خود اساس علم جامعه‌شناسی را پایه‌گذاری نمود، در زمینه نابهنجاری‌های اجتماعی، محیط اجتماعی را

علت همه رفتارهای غیرعادی و مجرمانه به شمار می‌آورد و معتقد است که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است. بنابر نظر دورکیم باید علت جرائم را در میان کارکرد ساخت‌های اجتماعی جستجو کرد (مساواتی آذر ۱۳۷۲: ۱۷۴-۱۷۳). مطالعات لاکاسانی (Lacassagne) هم به تاثیر محیط اجتماعی در پیدایش رفتارهای انحرافی تکیه دارد؛ او می‌گوید «جوامع، بزهکارانی دارد که لایق آن جوامع هستند. محیط اجتماعی غذای پرورش بزهکاری است. میکرب (بزهکار) عنصری است اهمیت پیدا نمی‌کند، مگر روزی که غذای پرورش (محیط اجتماعی)، آن میکرب را مانند خمیری آماده کند.» (دانش ۱۳۶۹: ۲۴۳).

لاکاسانی و مانوویه معتقدند که «مجرم یک قربانی بیچاره نظام اجتماعی است و نقص سازمان اجتماعی، او را جنایتکار کرده است» (مساواتی آذر ۱۳۷۴: ۲۰). خلاصه آن که مطالعه جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی و رفتارهای مجرمانه بدون در نظر گرفتن اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ای که در آن جرم واقع شده است نمی‌تواند به عنوان یک مطالعه اساسی تلقی شود زیرا رابطه تنگاتنگی بین جرم و جامعه وجود دارد. در واقع نمی‌توان درباره جرم - جرم به معنی عام کلمه نه یک جرم خاص - سخن گفت و محیط اجتماعی که در آن به وجود آمده را نادیده گرفت؛ و نیز به هنگام بحث درباره جرم نمی‌توان در قلمروی بیش و کم وسیع همیشه موثر، سهم محیط اجتماعی را در تکوین و رشد یا نقصان یافتن جرم فراموش کرد.

مرتن نیز تاکید دارد این جامعه است که از طریق شکاف و نارسائی بین اهداف مقبول خود و روش‌های مجاز رسیدن به آن اهداف، فشار عظیمی به مردم تحمیل می‌کند و آن‌ها را به جای همنوایی، به کجروی وا می‌دارد» (LANDIS, 2001). به نظر مرتن افراد در فرایند اجتماعی شدن و به عنوان نتیجه آن می‌آموزند که چگونه اهداف فرهنگی مهم را بشناسند و در همان حال، وسایلی را که از نظر فرهنگی پذیرفته شده و مورد تایید است برای رسیدن به آن اهداف برگزینند. هنگامی که امکان دستیابی به آن اهداف وجود نداشته باشد افراد به دنبال جانشینی می‌گردند. رفتار جانشین ممکن است نتیجه‌اش رفتار انحرافی باشد (Merton, ۱۹۹۶).

بر اساس نظریه ساترلند (Sutherland) رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار، یعنی داشتن

1. Differential Association

روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود (LANDIS, 2001). به عبارت دیگر، بر اساس نظریه ساترلند، رفتار جنائی فرد ارثی نیست بلکه از طریق تماس با اشخاص دیگر در اثر فرایند ارتباط، یاد گرفته می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۰). همچنین این امر به گونه‌ای دیگر از سوی شاو و مک‌کی بیان شده است. آنان بر طبق نظریه انتقال فرهنگی^۱ به ارتباط متقابل افراد با یکدیگر و تأثیرات ناشی از آن با توجه به عناصر فرهنگی توجه داشته و بر یادگیری فرهنگی تأکید دارند. به عبارت دیگر، به زعم آنها افراد کژرفتار مانند افراد درست کردار همگی فرزندان فرهنگ خود بوده و باورها و گرایش‌های خود را از محیط فرهنگی خویش فرا گرفته‌اند (اشرف، ۱۳۵۵). آنها تحت تأثیر مکتب شیکاگو و با استفاده از روش بوم‌شناسی جهت مطالعه رابطه میان ارگانسیم‌ها و محیط، به مطالعه کج‌رفتاری در شهر شیکاگو پرداختند. آنها کار را با تقسیم این شهر به پنج ناحیه در دایره متحدالمركز شروع کرده و به این نتیجه رسیدند که میزان بزهکاری به ترتیب از ناحیه یک، مرکز تجارت به طرف حاشیه شهر کاهش پیدا می‌کند؛ درآمدها از ناحیه یک به ناحیه سمت پنج به تدریج افزایش می‌یابد و نرخ بزهکاری به ترتیب از نواحی مرکزی به سمت نواحی کناری کاهش می‌یابد. بنابر این آنها نتیجه گرفتند که میزان بزهکاری با عوامل اقتصادی دقیقاً تطبیق می‌کند (صفوی، ۱۳۶۷: ۲۸). از سوی دیگر کوینی (Quinney) نیز به عنوان یکی از حامیان اصلی تئوری تضاد^۲ معتقد است تناقض‌های نظام سرمایه‌داری که در مصداق‌هایی مانند فقر، نابرابری، بیکاری و بحران‌های اقتصادی تجلی پیدا می‌کند بر مسأله جرم و جنایت تأثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۱).

از مجموعه مطالعات انجام شده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اعمال مجرمانه و رفتارهای آسیبی دارای چندین عامل متفاوت هستند و در واقع نمی‌توان به‌عنوان پدیده‌های تک علتی به مطالعه این رفتارها پرداخت؛ چنان که صانعی نیز ضمن تشریح علل رفتار مجرمانه تحت عنوان «قانون شماره یک» در زمینه این‌گونه از رفتارها می‌نویسد «در ایجاد رفتار مجرمانه ترکیبی از عوامل موجد جرم دخالت دارند و چون این عوامل از نظر کمی و کیفی فرق می‌کنند، پس

1. Transculturation

2. Conflict Theory

ایجاب و ایجاد رفتارهای مجرمانه نسبی است» (صانعی، ۱۳۵۷: ۴۶). به تعبیر کی‌نیا از ویژگی چند علتی بودن رفتار مجرمانه، این نتیجه ضمنی به دست می‌آید که در تجزیه و تحلیل یک رفتار، جدا کردن بعضی علل یا عوامل به عنوان یک واقعیت تفکیک شده بدون در نظر داشتن ارتباط آن با عوامل دیگر کاری دور از صواب و منطقی عقل سلیم است (کی‌نیا، ۱۳۷۳).

قلمرو آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه اعمال و رفتارهای غیر عادی و علل و عوامل آن‌هاست؛ لذا پژوهش حاضر سعی دارد با دیدی جامع و باتوجه به نظریات مطرح در قلمرو آسیب‌شناسی اجتماعی، به بررسی عوامل زیربنایی در بروز رفتارهای انحرافی از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) بپردازد. به عبارت دیگر هدف اصلی بحث، تحلیل عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی می‌باشد، تا بدین وسیله امکان مقایسه عوامل اصلی بروز انحرافات در جوامع دیگر با جامعه تحقیق به وجود آمده و ضمن بررسی میزان همخوانی نتایج به دست آمده با نظریه‌های متداول، به شناخت عوامل زیربنایی انحرافات در جامعه خود دست یافته و بتوان در راستای پیشگیری از بروز رفتارهای انحرافی یا شدت یافتن آن‌ها حرکت نمود.

۲) روش تحقیق

۲-۱) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر جامعه آماری، دانشجویان پسر و دختر کمیته امداد کشور می‌باشند که در تابستان سال ۸۲ از سراسر کشور به اردوگاه ثامن الائمه در شهرستان مشهد اعزام شده بودند. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۲۰ نفر شامل ۶۰ دانشجوی پسر و ۶۰ دانشجوی دختر تعیین گردید که از بین ۶۰۰ دانشجوی پسر و دختر کمیته امداد کشور، حاضر در اردوگاه ثامن‌الائمه مشهد، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی در دو مرحله انتخاب شدند.

۲-۲) ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسش‌نامه که شامل ۴۸ گویه است استفاده شده است. پرسشنامه مذکور

به صورت مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است، به صورتی که عدد ۱ به معنی تایید خیلی کم، عدد ۲ به معنی تایید کم، عدد ۳ به معنی تایید متوسط، عدد ۴ به معنی تایید زیاد و عدد ۵ به معنی تایید خیلی زیاد می‌باشد؛ عدد صفر نیز برای عدم پاسخگویی به سؤال به کار رفت. تهیه این پرسش‌نامه در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، بر اساس پیشینه تحقیق و با استفاده از نظرات مشورتی متخصصان در رشته جامعه‌شناسی، پرسشنامه اولیه با ۵۲ گویه که دربرگیرنده عوامل موثر در بروز انحرافات اجتماعی بود تدوین شد و در قالب اجرای مقدماتی بر روی ۳۵ نفر از دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد اجرا گردید. در مرحله دوم با توجه به نتایج آلفای کرنباخ، آلفای برخی گویه‌ها که کمتر از حد استاندارد بودند با ایجاد تغییراتی در متن برخی از آن‌ها و حذف چهار گویه معیوب، میزان پایایی پرسش‌نامه به حد قابل قبول (۰/۹۸۶۶) رسید. بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه ساخته شده از اعتبار کافی برخوردار است.

۲-۳) روش اجرا

پس از این‌که نمونه به نحوی که قبلاً ذکر شد انتخاب گردید و پرسش‌نامه تهیه و تنظیم شد، پرسش‌نامه‌ها میان پاسخ‌گویان توزیع گردید. قبل از اجرای پرسش‌نامه، با پاسخ دهندگان درباره هدف پژوهش صحبت شد. در این گفتگوها، اهمیت دقت در پاسخگویی مورد توجه قرار گرفت. پس از اجرای پرسش‌نامه به هر یک از پاسخ‌دهندگان هدیه‌ای معنوی (یک کتاب) به رسم تشکر و در راستای تقویت فرهنگ پژوهش تقدیم گردید تا کار فرهنگی اجرای پژوهش با کار فرهنگی دیگری تکمیل گردد.

۲-۴) روش‌های آماری تحلیل داده‌ها

از آن‌جا که تحلیل تکنیکی، در واقع قالبی است که اطلاعات تحقیق با آن معیار می‌بایست تحلیل و سنجیده گردند و به علت این‌که داده‌های این پژوهش در رابطه با گروه‌های جمعیتی است، در سنجش و آزمون سؤالات تحقیق از روش‌های آماری انحراف معیار، میانگین،

تحلیل عوامل استفاده شد. با توجه به هدف پژوهش که شناسایی عوامل موثر بر انحرافات اجتماعی است، بهترین روش آماری، آزمون تحلیل عوامل می‌باشد که با کمک این آزمون می‌توان عوامل زیر بنایی را شناسایی و میزان واریانس تبیین شده را توسط آن مشخص کرد. سطح معنی داری در این پژوهش $\alpha = 0/05$ می‌باشد. بدین منظور تمام متغیرها در دستور کار تحلیل عاملی وارد گردید. برای ادامه کار بایستی از تعداد نمونه اطمینان پیدا می‌کردیم. بدین منظور از دو آزمون K.M.O و بارتلت (Bartlett)^۱ استفاده کردیم.

۳ یافته‌ها

در هر تحلیل عاملی معمولاً به تعداد متغیرها عامل استخراج می‌شود؛ اما تمام این عوامل معنی‌دار نیستند، از این رو بایستی از بین آن‌ها بهترین عوامل را نگه داشت. برای این که تعیین کنیم کدام یک از عوامل را نگه داریم از یک آماره موسوم به ارزش ویژه^۲ استفاده می‌کنیم. به منظور شناخت بیشتر عامل‌ها و این که هر عامل متشکل از چه متغیرهایی است (به عبارت دیگر برای اینکه مشخص کنیم هر متغیر درون چه عاملی جای گرفته است) باید به بارهای عاملی نظر بيفکنیم.

۱. برای این که تجزیه تحلیل عاملی رضایت بخش باشد، نباید مقدار (K.M.O) از $0/5$ کمتر باشد. از طرف دیگر چنانچه آزمون بارتلت معنی دار نباشد این خطر برای ماتریس همبستگی وجود دارد که ماتریسی همانی - قطر اصلی ۱ و بقیه خانه‌ها صفر- باشد و این برای تحلیل بعدی مناسب نیست (کینیر و گری ۱۳۷۷: ۲۹۴).
۲. ارزش ویژه (Eigenvalue) معیاری است که به عوامل مرتبط است و مبین آن است که هر عامل چه مقدار از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کند. هر عاملی که ارزش ویژه بیشتری داشته باشد، واریانس بیشتری را نیز تبیین می‌کند. نگه داشتن عوامل در تحلیل مستلزم این است که هر عامل ارزش ویژه‌ای بالاتر از یک داشته باشد (منصورفر، ۱۳۸۱).

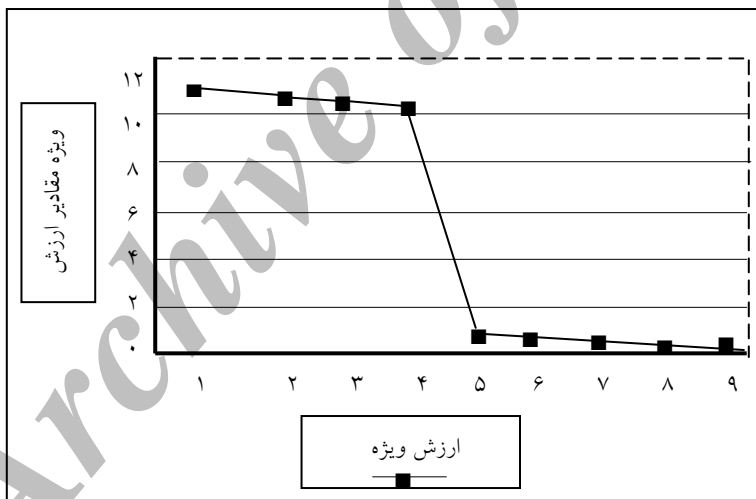
جدول ۱: آماره‌های نهایی تحلیل عوامل انحرافات اجتماعی

شماره عامل	ارزش ویژه (آیگن)	درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	تعداد ماده‌ها
۱	۱۱/۵۴۵	۲۴/۰۵	۲۴/۰۵	۱۴
۲	۱۰/۶۵۷	۲۲/۲۱	۴۶/۲۶	۸
۳	۱۰/۶۴۰	۲۲/۱۶	۶۸/۴۲	۱۳
۴	۱۰/۳۰۳	۲۱/۴۷	۸۹/۸۹	۱۳

در جدول شماره ۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، چهار عامل با تبیین ۸۹/۸۹ درصد از واریانس، متغیرهای تحلیل را تبیین می‌کنند. از کل واریانس تبیین شده، ۲۴/۰۵ درصد را عامل اول، ۲۲/۲۱ درصد را عامل دوم، ۲۲/۱۶ درصد را عامل سوم و ۲۱/۴۷ درصد را عامل چهارم تبیین می‌کند. عامل اول از ۱۴ متغیر تشکیل شده است که این متغیرها، دارای بارهای عاملی در دامنه ۰/۵۶۰ تا ۰/۷۷۴ می‌باشد و عامل «خانواده و گروه همگنان» نام‌گذاری شده است که بیشترین مقدار واریانس (۲۴/۰۵ درصد) انحراف اجتماعی را تبیین می‌نماید (و مواردی چون عدم صلاحیت اخلاقی والدین، ناآگاهی والدین، عدم وجود محیط آرام و سالم در خانواده، گسستگی خانوادگی، همشینی با دوستان ناباب و... را دربرمی‌گیرد). عامل دوم از ۸ متغیر تشکیل شده است که این متغیرها، دارای بارهای عاملی در دامنه ۰/۵۰۷ تا ۰/۸۱۲ می‌باشد و عامل «اعمال کنترل شدید» نام‌گذاری شده است که مقدار واریانس (۲۲/۲۱ درصد) را تبیین می‌نماید (و مواردی چون واکنش‌های غیرمنطقی، اصرار بر عوامل کنترل بیرونی، تنبیهات بدنی و... را دربرمی‌گیرد). عامل سوم از ۱۳ متغیر تشکیل شده است که این متغیرها، دارای بارهای عاملی در دامنه ۰/۵۳۶ تا ۰/۷۳۳ می‌باشد و عامل «وضعیت اقتصادی» نام‌گذاری شده که مقدار واریانس (۲۲/۱۶ درصد) را تبیین می‌نماید (و مواردی چون نداشتن شغل مناسب، وجود فاصله طبقاتی عمیق، فقر اقتصادی

و... را در بر می‌گیرد). عامل چهارم از ۱۳ متغیر تشکیل شده است که این متغیرها، دارای بارهای عاملی در دامنه ۰/۵۶۴ تا ۰/۶۸۹ می‌باشد و عامل «امور فرهنگی- آموزشی» نام‌گذاری شده که مقدار واریانس (۲۱/۴۷ درصد) را تبیین می‌نماید (و مواردی چون نبود امکانات آموزشی مناسب، فقدان امکانات تفریحی، نامتناسب بودن روش آموزش آموزه‌های فرهنگی، عدم برگزاری فعالیت‌های فرهنگی بر پایه نیازسنجی و... را در بر می‌گیرد). همان‌طور که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌شود، منحنی از بین عامل چهارم و پنجم مسطح می‌گردد؛ همچنین دیده می‌شود که از عامل چهارم به بعد تمام عوامل ارزش ویژه‌ای پایین‌تر از یک دارند؛ به بیان دیگر، تنها چهار عامل ارزش بالاتر از یک دارند. در واقع تمام متغیرها تحت چهار عامل قرار گرفته‌اند و در مجموع این چهار عامل ۸۹/۸۹ درصد از واریانس تمام متغیرهای تحلیل را تبیین می‌کنند.

نمودار ۱: نمودار صخره‌ای عاملی



۴) بحث و نتیجه‌گیری

در مباحث آغازین این مقاله عنوان شد که انحرافات اجتماعی پدیده‌هایی هستند که در جوامع همگن و غیر همگن، مدرن و سنتی، دینی و غیر دینی به نحوی از انحاء ظهور می‌یابند. به عبارت دیگر اگر در بخش مهمی از تاریخ بشر، به مسأله انحرافات و چالش‌های متاثر از آن دقت نظری داشته باشیم درخواهیم یافت که انحرافات بحث تازه‌ای نیستند که وارد زندگی مدرن معاصر شده باشند. اما عصر جدید از دیدگاه فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به این مسأله نگاه می‌اندازد و این امر از سوی متفکران مختلف، بویژه جامعه‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است. از آن‌جا که چنین پدیده‌ای می‌تواند همبستگی اجتماعی و حیات جامعه را در معرض خطر قرار دهد، بررسی جامعه‌شناختی آن ضروری است، بویژه آن‌که ورود جوامع سنتی همچون ایران به جریان مدرنیته سبب بروز چالش‌هایی جدی شده است. لذا شناخت زمینه‌ها و پیامدهای اجتماعی چنین پدیده‌ای، انکارناپذیر است و تداوم حیات اجتماعی جوامعی چون ایران و پیشرفت و توسعه آن‌ها در گرو مواجهه علمی با چالش‌های هویتی شان است. این پژوهش نیز با هدف تبیین عوامل زیربنایی بروز انحرافات در کشور سعی داشته در این زمینه گام‌هایی بردارد.

از نتایج به‌دست آمده استنباط می‌شود که عامل «خانواده و گروه همگنان» بالاترین میزان تبیین را دارد و این یافته با مطالعات ساترلند (به نقل از لندیش، ۲۰۰۱) همسو می‌باشد. بر حسب نظریات ساترلند، رفتار انحرافی ارثی نیست و در اثر فرایند ارتباط، بویژه در داخل یک گروه محدود (مثل خانواده، گروه دوستان، باند و...) آموخته می‌شود. اهمیت توجه به این عامل از آنجا ناشی می‌شود که در اغلب مطالعات جامعه‌شناسان بزرگی نظیر شاو و مک‌کی (به نقل از صفوی، ۱۳۶۷)، سوشی وابت، کواراسوس (به نقل از رشید پور، ۱۳۴۵) و تحقیقات مرکز ووکرسون (به نقل از کی نیا، ۱۳۷۳) به تأیید رسیده است. تاملی در یافته اخیر، لزوم برنامه‌ریزی در راستای ایجاد محیطی سالم در خانواده‌ها از طریق آموزش و ارائه خدمات فرهنگی را دوچندان می‌نماید. عامل دوم اعمال کنترل شدید می‌باشد که تاثیرات مخربی را در بروز و تشدید

انحرافات اجتماعی دارد. یافته پژوهش حاضر در این عامل، تناسب زیادی با نظریه اسناد^۱ واینر (به نقل از سیف، ۱۳۷۹) دارد. طبق نظر واینر، تاثیر کنترل بیرونی بر رفتار افراد، مقطعی و زودگذر است و نمی‌توان از آن به عنوان یک منبع تاثیرگذار حقیقی نام برد و با محو عامل بیرونی، به احتمال بسیار زیاد، آن دست از عملکردهای افراد که درونی نبوده و صرفاً کنترل بیرونی بر آنها حکمفرما بوده، در جهت عکس، سیر خواهند نمود یا دست کم در ادامه با ضعف و نقصان مواجه خواهند شد. از سوی دیگر برطبق نظر واینر هرگاه در هر امری منبع کنترل، درونی باشد فرد خود را مسئول اصلی رفتار می‌داند. از پیامدهای مثبت این تصور، ایجاد حس تاثیرگذار بودن فرد در فرایند زندگی می‌باشد. فردی که منبع کنترل پذیری او درونی است. احساس ارزشمندی در او تقویت شده و احتمال انجام آن فعالیت (فعالیت‌های مبتنی بر کنترل‌پذیری درونی) را در آینده افزایش می‌دهد. به همین منوال در مقوله انحرافات اجتماعی هرگاه فرد نقش خود را در روند اعمال و رفتار خود، فعال و اثرگذار بداند، در واقع خود را مسئول اصلی اداره امور زندگی تصور می‌کند و مسئولیت و عواقب تصمیم‌ها و رفتارهای خود را می‌پذیرد. حال اگر شرایط را به گونه‌ای فراهم نماییم تا فرد ضمن ایجاد حس تاثیرگذاری در روند زندگی فردی و اجتماعی، به نقش خود ایمان آورد، می‌توان به تحقق این مهم، یعنی پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال رفتار و کردار خود، امید بست. این رویه از مهم‌ترین و کارآمدترین راهکارها در خودسازیبی، مشارکت‌پذیری، و تعامل سازنده با اجتماع به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین مصادیق این گفته در مذهب ما، تقوا و خویش‌داری است که بر طبق فرمایشات بزرگان دینی ما، موثرترین عامل در کنترل اعمال محسوب می‌گردد. به‌جاست که مسئولین فرهنگی در راستای تقویت ارزش‌های درون، گام‌های اساسی برداشته و در ادامه با استفاده از آن دسته از کنترل‌کننده‌های بیرونی که عقلانیت بر آنها حاکم است، در راستای تحکیم ارزش‌ها و بها دادن به شخصیت افراد حرکت نمایند و این امر کمک شایانی به کاهش انحرافات اجتماعی خواهد نمود.

1. Attribution Theory

عامل سوم وضعیت اقتصادی می‌باشد. وضعیت نامساعد اقتصادی می‌تواند یکی از زمینه‌های بروز انواع انحرافات در جامعه باشد که در این پژوهش از سوی دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد کشور به عنوان یکی از عوامل اصلی سوق دهی به انحرافات شناخته شده است و این امر با فرمایشات ائمه (ع) که فقر را دیوار به دیوار کفر معرفی کرده‌اند نیز همخوان است. از سوی دیگر این یافته با مطالعات شائو و مک گی (به نقل از صفوی، ۱۳۶۷)، کین برگ (به نقل از کی‌نیا، ۱۳۷۰)، کویینی (به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱) همخوانی دارد. این یافته، تاثیر و اهمیت عوامل اقتصادی بر انحرافات اجتماعی را دوچندان می‌نماید و آن را از حالت ملی به فراملی تبدیل می‌کند؛ همچنین نمایانگر آن است که در جوامع انسانی هر کجا که شرایط اقتصادی نامطلوبی وجود داشته باشد احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و این امر توجه جدی مسئولین کشوری، در اهتمام به ارتقاء سطح رفاه اقتصادی جامعه را مضاعف می‌سازد.

عامل چهارم «امور فرهنگی - آموزشی» می‌باشد که بی‌توجهی به آن می‌تواند لطمات سنگینی را بر بیکره جامعه وارد سازد. یکی از ویژگی‌های عمده جوامع در قرن بیست و یکم، اهمیت دم‌افزون و گستره کاربرد فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات (ICT) است. سرعت سریع رشد و اشاعه اطلاعات در جامعه جهانی، منجر به کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی شده است. هر ملتی که بخواهد در این عصر تغییرات، پویا بماند و ضمن استقبال از تغییرات مطلوب، از آسیب‌های تهدیدکننده هم‌نوایی در جامعه دوری نماید می‌بایست در زمینه آموزش مفاهیم فرهنگی متناسب با نیاز جامعه، با استفاده از انواع روش‌های فراگیر محور، نظامی را طرح‌ریزی نماید که در راستای بهروری حرکت نموده و بتواند با حداقل امکانات، به حداکثر بازدهی متناسب با اهداف دست یابد. این امر اهمیت سرمایه‌گذاری مالی، مادی، انسانی، و اطلاعاتی را در این زمینه دوچندان می‌نماید، چرا که اگر ما به دنبال دستیابی به جامعه‌ای پویا و با نشاط به همراه شهروندانی سالم هستیم باید زمینه دستیابی به آن را نیز فراهم کنیم. انجام کارهای فرهنگی مبتنی بر عقلانیت، یکی از کارآمدترین راهکارها به‌شمار می‌آید. اما آنچه در این رهگذر ضروری‌تر به نظر می‌رسد داشتن دید جامع، عمیق، آینده‌نگر و پرهیز از هر گونه تعصب کورکورانه در انجام کارهای فرهنگی می‌باشد.

- اشرف، احمد. (۱۳۵۵)، *کژرفتاری و مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۶۹)، *معجم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟*، تهران، انتشارات کیهان.
- دورکیم، امیل. (۱۳۴۲)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، (ترجمه علی محمد کاردان)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۵۲)، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۷۹)، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران، انتشارات آگاه.
- صانعی، محمود. (۱۳۵۷)، *روان‌شناسی کیفری*، تهران، انتشارات طهوری.
- صدیق، رحمت اله. (۱۳۶۷)، *نظریه‌های مربوط به کجروی اجتماعی*، نشریه دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، سال یازدهم، شماره های ۱ و ۲.
- صفوی، امان‌اله. (۱۳۶۷)، *تئوری‌های انحرافات*، تهران، مجله رشد، سال دوم، شماره ۷.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۲)، *مبانی جرم‌شناسی* (ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل)، تهران، انتشارات سمت.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳)، *مبانی جرم‌شناسی*، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۰)، *علوم جنایی*، جلد سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کینیر، پاول و گری، کولین. (۱۳۷۷)، *کتاب آموزشی SPSS در محیط ویندوز*، (ترجمه علیرضا منتظری)، تهران، کانون نشر علوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، (ترجمه منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۲)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تبریز، انتشارات احرار.
- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۴)، *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تبریز، انتشارات نوبل.
- منصورفر، کریم. (۱۳۸۱)، *جزوه درس آمار پیشرفته*، دوره کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- Frazer, Charies. (1976), **Theoretical Approach to Deviance and Evaluation**, Abell and Havell Company.
- Landis, Judson. R. (2001), **Sociology: concepts and Characteristics**, 12 th ed, Wadsworth- T HOMSON Learning.
- Merton, Robert. (1966), **Social Structure**, MC Milan Publishing Company.